

کتاب‌ها و مستندهای زیادی از امام خمینی ^(ه) تولید شده، اما کماکان جای روایت‌های اصیل خالی است

اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است



مریم فضائلی خبرنگار گروه فرهنگ

در میان تعداد نسبتاً قابل توجهی از آثار مکتوب و تصویری که در سال‌های پس از رحلت امام خمینی (ره) منتشر شده، همواره یک خلا محسوس به چشم

کتاب‌ها

سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد نویسنده: نادر ابراهیمی / ناشر: سوره مهر

نادر ابراهیمی، نویسنده‌ای با ذوقی شاعرانه و نگاهی هنر مندانه، در جلد اول کتاب «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد»، روایتی را ارائه می‌دهد که فراتر از یک زندگی‌نامه ساده‌است. این اثر، تلفیقی است از اسطوره، ادبیات، حقیقت و خیال؛ با زآفرینی خلاقانه‌ای از روزهای کودکی و جوانی روح‌الله که در پس سکوت و سادگی، جوانه‌های آینده‌ای پر التهاب و الهام‌بخش را در خود جای داده‌است. کتاب با صحنه‌ای رمز آلود آغاز می‌شود: «مردی که از دریا، از دل باران و طوفان بر می‌خیزد. این تصویر نه تنها یک توصیف شاعرانه، بلکه دعوتی است به ورود به دنیایی متفاوت از روایت؛ دنیایی که در آن روح‌الله نه صرفاً یک شخصیت سیاسی یا مذهبی، بلکه انسانی فراتر از زمان و مکان، با ابعاد ی ژرف و پیچیده به تصویر کشیده می‌شود.»

این کتاب در پیچه‌ای است به نگاه شاعرانه نادر ابراهیمی به شخصیتی تاریخی همچون روح‌الله. در این روایت، خواننده با متنی خشک و رسمی روبه‌رو نیست، بلکه تلاش شده تا با تصویری پر از استعاره و تخیل به چهره‌ای متفاوت از پیناکدار انقلاب نزدیک شود. نویسنده با انتخاب قالبی داستانی و زبانی سرشار از استعاره، زندگی امام خمینی (ره) را نه از منظر کوچک‌بار نگاری تاریخی، بلکه از دریچه تجربه انسانی به تصویر می‌کشد. ابراهیمی با استفاده از این فضاها ی استعاری، به بازخوانی لحظه‌هایی از کودکی و جوانی روح‌الله می‌پردازد؛ لحظه‌هایی که شاید به ظاهر کوچک و روزمره‌اند، اما در حقیقت بنیان‌های شکل‌گیری شخصیتی او را می‌سازند؛ شخصیتی که بعدها مسیر پراهمیت تاریخ ایران را رقم زد. از دشواری‌های دوران کودکی گرفته تا آشنایی با خانواده همسر و ازدواج، همه در قالب داستان‌هایی ساده اما پر معنا بیان می‌شوند. جلد اول این مجموعه با عنوان «رجعت به ریشه‌ها» در سال ۱۳۷۷، همزمان با بیست‌وپنجمین سالگرد درگذشت امام خمینی، توسط

مستندها

مستند بانوقدس ایران کارگردان: مصطفی رزاق کریمی

در دل سکوت خانه‌ای قدیمی، در کنار دیواری که سال‌ها حافظ رازش بوده، زنی زندگی کرده‌است که نامش را کمتر شنیده‌ایم، اما سایه‌اش بر یکی از بزرگ‌ترین تحولات قرن، گسترده‌بود. مستند «بانوقدس ایران» ساخته مصطفی رزاق کریمی، تلاشی آرام اما عمیق برای شناخت همین زن است؛ خدیجه تقفی، همسر امام خمینی (ره). این مستند، تنها یک روایت از زندگی همسر رهبر انقلاب ایران نیست. اینجا خبری از شعارهای بلند نیست. هیچ تلاشی برای قدیس‌سازی یا تصویرسازی مصنوعی در کار نیست. در عوض، تماشاگر آرام‌آرام با لایه‌های یک زندگی عاشقانه، صبورانه و گاه پیچیده روبه‌رو می‌شود. رابطه‌ای که میان زنی بسواد، با ذهنی مستقل از یک خانواده مرفه قاجاری و مردی طلبه، جوان و آرمان‌گرا شکل گرفت و ۶۰ سال با صلابت دوام یافت. رزاق کریمی با وسواسی یک معمار، خانه امام را به صحنه اصلی روایت تبدیل کرده‌است. مصاحبه‌ها در همان اتاق‌هایی صورت می‌گیرند که روزگاری بانو تقفی در آن‌ها زندگی می‌کرد. این تصمیم ساده اما هوشمندانه باعث می‌شود روایت‌ها از دل فضا زاده شوند، نه بیرون از آن. تصویر، صدا، دیوارها، و حتی سکوت، حامل معنا می‌شوند. حتی این تصمیم روی افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده تأثیری می‌گذارد و ناخودآگاه روایتی متفاوت خلق می‌شود. در آن لحظه، ما تنها شاهد زندگی همسر امام نیستیم؛ بلکه با رابطه پیچیده و پرمهر او با فرزندش، سیدمصطفی خمینی نیز آشنا می‌شویم؛ چهره‌ای که در روایت رسمی کمتر بدان پرداخته شده و این مستند برای نخستین بار او را در جایگاه انسانی، عاطفی و خانوادگی‌اش به تصویر می‌کشد.

مستند بانو قدس ایران حاصل بیش از سه سال تحقیق و گفت‌وگوی مستمر است. کارگردان تلاش کرده تا به دور از شعارزدگی و بزرگ‌نمایی، روایتی صادقانه و بدون سانسور ارائه‌دهد. این مستند نه‌ر پایه روایت‌های قطعی، بلکه بر مجموعه‌ای از تجربه‌های انسانی شکل گرفته‌است؛ لحظه‌ها، احساسات و روایاتی که تصویری واقعی و ملموس از زندگی یک زن در کنار یک چهره سیاسی ارائه می‌دهد. فضای مستند، خانه‌ای را به تصویر می‌کشد که گرچه

قرار را بر فرار از وطن ترجیح می‌دهم

رامین پرچمی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در گفت‌وگو با خبرنگار سینمایی اپرنا در این باره که اگر روزی پیشنهاد همکاری با شبکه‌های غیرایرانی داشته باشد، چه می‌کند؟ گفت: «اگر چه ناملایمتی‌ها وجود دارد اما قرار م بر وطن را بر فرار از آن ترجیح می‌دهم و می‌مانم تا در کشورم کار کنم. مهم است که شبکه‌ای باشد یا ضد ایرانی. اگر می‌خواستم با شبکه‌های ضد ایرانی کار کنم، این کار را تاکنون کرده‌بودم. علاقه‌ای به این کار ندارم که دیگر نتوانم در کشورم کار کنم.» او افزود: «تاکنون پیشنهادهایی هم برای فعالیت با شبکه‌های ماهواره‌ای داخلی داشتم که در حال بررسی شرایط هستم.» پرچمی در پاسخ این سؤال که دوست داری با کدام کارگردان کار کنی، گفت: «دوست داشتم با داریوش مهرجویی دوباره کار خوبی انجام دهم که نشد. از بین آن‌هایی که هستند خیلی دوست دارم با حاتم‌کیا کار کنم.» او در این باره کسه آیا حضری با کارگردانی برای بازی در کارش تماس بگیري یا خیر گفت: «نمی‌توانم این کار را انجام دهم. هیچ‌گاه نشده که خودم را به پروژه و کارگردانی تحمیل کنم. این کار را نمی‌پسندم.» این بازیگر سینما درباره این روزهای خود نیز اظهار داشت: «مقداری حالم بهتر است. در حال کار در یک تئاتر و یک فیلم هستم و تدریس در آموزشگاه تئاتر در شیراز را هم دارم. برای بازی در تئاتری باید یک ماه به شیراز بروم. احتمالاً در یک فیلم کوتاه هم بازی کنم.»

می‌آید؛ نبود روایت‌هایی که از دل تجربه، با نگاهی انسانی، شاعرانه و گاه تحلیلی، به شخصیت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نزدیک شوند. اگرچه بسیاری از کتاب‌ها و مستندها کوشیده‌اند تصویری از امام ارائه دهند، اما همچنان نیاز به بازخوانی‌هایی تازه، با زبانی متفاوت، احساس می‌شود؛ بازخوانی‌هایی که نه صرفاً تاریخ‌نگارانه، بلکه احساسی و خلاقانه باشند. نسلی که قرار است روایت ناتمام هستند.

سیری در ساحل

نویسنده: محمدتقی مصباح یزدی ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
در نگاه اول، شاید تصور کنید کتابی درباره امام خمینی (ره) یا قرار است پر از روایت‌های خشک تاریخی باشد، یا سرشار از تعاریف رسمی و اصطلاحات پیچیده. اما وقتی دو اثر متفاوت، یکی از دل خاطرات و نگاه کودکان بیرون می‌آید، یعنی «مهربان‌تر از نسیم»، و دیگری با نگاهی تحلیلی و عمیق به ساحل شخصیت امام می‌رسد، یعنی «سیری در ساحل»، کنار هم قرار بگیرند، تصویری کامل‌تر، ملموس‌تر و انسانی‌تر از امام پدید می‌آید؛ امامی که هم مهربان است، هم متفکر؛ هم پل‌بریزی صمیمی است، هم فقهیی ژرف‌اندیش.

کتاب «سیری در ساحل» نوشته آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، سفری است به اعماق کمتر شناخته‌شده این شخصیت بزرگ. این سفر، نه صرفاً یک مرور تاریخی، بلکه کاوشی دقیق و عمیق است. در این اثر، روح‌الله تنها یک رهبر سیاسی یا فقیه انقلابی معرفی نمی‌شود، بلکه انسانی متوازن و کامل است که چهار بعد اصلی وجودش، یعنی علم، عرفان، سیاست و

روزگاری مرکز تصمیم‌گیری‌های کلان بوده، اما این‌بار در قاب دوربین، به محیطی شخصی و عاطفی تبدیل شده‌است. بانو قدس ایران تنها یک مستند تاریخی نیست، بلکه پرتره‌ای انسانی است که به دلیل همین ویژگی، ساخت آن با حساسیت و مسئولیتی فراتر از جنبه‌های فنی همراه بوده‌است.

مستند آفتاب وعشق کارگردان: جواد شمقدری

چطور می‌شود لحظه‌های ماندگار تاریخ که زمانی دوربین آن‌ها را ثبت کرده، به یاد آورد؟ مستند بلند «آفتاب وعشق» به کارگردانی جواد شمقدری، تلاشی است برای بازخوانی روزهایی که تصویرشان هنوز هم در حافظه جمعی باقی مانده‌است. فیلمی ساخته‌شده در روزهای پس از ارتحال امام خمینی (ره) که سعی می‌کند چیزی را به نمایش بگذارد که بیشتر از آن‌که گفته‌شود، باید دیده و حس شود. «آفتاب وعشق» برخلاف بسیاری از آثار مستند هم‌دوره‌اش، نه گفتار متن دارد و نه صدایی از بیرون که بخواهد روایت را هدایت کند. صداها همان‌هایی هستند که در صحنه ضبط شده‌اند: صدای پای جمعیت، زم‌زمه دعاها، صدای گریه، و گاهی سکوت. همین انتخاب، فیلم را به تجربه‌ای نزدیک‌تر و شخصی‌تر تبدیل کرده؛ انگار که مخاطب در زمان سفر کرده و در دل آن اتفاق قرار می‌گیرد.

دوربین که جای چشمان مخاطب قرار دارد، همراه با جمعیت است. در کوچه‌های شلوغ، در میدان‌های پرجمعیت، در میان صف‌هایی که آرام و بی‌صدا حرکت می‌کنند. گاهی روی بلندلی‌ها قرا رگرفته تا مقیاس وسیع سرگوازی را نشان دهد، گاهی پایین می‌آید و به چهره‌ها نزدیک می‌شود: چهره‌هایی خسته، اندوهگین، و گاهی کلام. تصاویری فیلم از چند گروه مختلف گردآوری شده و همین باعث تنوع در زاویه‌های دید و پوشش لحظات شده‌است. بخشی از این تصاویر، حاصل کار مجید مجیدی است که بلافاصله پس از انتشار خبر فوت روح‌الله، دوربین به دست گرفت و شبانه‌روز در صحنه ماند. بعدها، تدوین نهایی فیلم و شکل‌گیری روایت اصلی، به دست شمقدری انجام شد.

نقش آفرینی مؤثری در آینده کشور داشته باشد، نیاز دارد بنیان‌گذار حکومتی را که در آن پرورش یافته بشناسد. این شناخت نه صرفاً به‌عنوان بخشی از تاریخ، بلکه به‌عنوان کلیدی برای درک ساختار سیاسی، ارزش‌های بنیادین و جهت‌گیری‌های کلان نظام حائز اهمیت است. فهم چگونگی شکل‌گیری یک حکومت، چالش‌ها و فرصت‌هایی که در ابتدای راه با آن روبه‌رو بوده و مدیریت با ظرافت برسی شده‌اند. نویسنده، با چشمانی فلسفی ودلی‌سالک، نشان می‌دهد این مرد بزرگ در هر کدام از این حوزه‌ها، چگونه ظاهر شده‌است. در نگاه مصباح یزدی، جوهره وجودی روح‌الله «عبودیت» است؛ پیوندی مستمر و بی‌وقفه با خداوند که منبع تصمیم‌ها، سکوت‌ها، خشم‌ها و بخشش‌های او به شمار می‌رود. در این کتاب، او نه فقط بنیان‌گذار یک نظام سیاسی بلکه مربی تربیتی جهانی معرفی می‌شود که دیدگاه‌هایش درباره تعلیم و تربیت، بسیار جای تأمل داشته و قابل توجه است. در پایان کتاب، اهداف و آرمان‌های روح‌الله، آن‌هایی که ریشه‌ش در اسلام دارند، با زبان صریح و گویا شرح داده شده‌اند؛ از تشکیل حکومت اسلامی گرفته تا حمایت از محرومان، از ایجاد وحدت میان مسلمانان تا مبارزه بی‌امان با طاغوت و استکبار.

روح‌الله

نویسنده: هادی حکیمیان / ناشر: شهرستان ادب
چگونه ممکن است یک نوجوان ساده و معمولی از دل روستای خمین، به‌نماد رهبری یکی از بزرگ‌ترین تحولات قرن بیستم تبدیل شود؟ کتاب «روح‌الله» نوشته هادی حکیمیان، با نگاهی مستند و داستانی، زندگی امام خمینی (ره) را فراتر از یک روایت تاریخی ساده، به تصویر می‌کشد؛ تصویری از انسانی چندبعدی که مسیر کودکی تا رهبری را با ایمان، شجاعت و تدبیر طی کرده‌است. این کتاب به ما کمک می‌کند تا ریشه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها و حرکت‌های سیاسی امام را در روزهای آغازین زندگی‌اش بهتر بشناسیم و دریابیم چگونه او توانست نه تنها ایران، بلکه جهان اسلام را دگرگون کند. در این اثر، امام فقط یک چهره سیاسی نیست. او کودکی است در سایه سنگین باغ پدر، نوجوانی است با شجاعت اضمای شکایت‌نامه علیه ظلم، طلبه‌ای است جویای حقیقت در قم، و نهایتاً شخصیتی است که در

مجید مجیدی، در کتاب «در قلمرو دیدار» درباره آن روزها گفته‌است: «من بلافاصله بعد از دریافت خبر فوت امام، راهی حوزه هنری شدم. بچه‌ها همگی ماتم گرفته بودند نشسته بودند و گریه می‌کردند. همان‌جا به نظرمان آمد که این اتفاق تاریخی باید ثبت شود. بعد هم من همراه با یک فیلمبردار، با دوربین، به طرف جماران و بعد هم به محل دفن امام رفتیم و ۵ شبانه‌روز به شکل مستند مشغول فیلمبرداری بودیم و خانه نمی‌فتم. لحظات و روزهای سختی بود. دوربین را روی کانتینر کار گذاشته بودیم و وقتی پیکر امام مثل یک قدیس روی دست‌های می‌چرخید فیلم می‌گرفتم. انگار که قیامتی به پا شده‌بود. بعد از فیلمبرداری من برای خودم برنامه‌ای ریختم تا بتوانم با گرفتن نماهایی مختلف، یک فیلم متفاوت با آنچه که در تلویزیون پخش شده‌بود بسازم اما یک روز که به حوزه هنری آمدم، گفتند قرار است تصویرهایی که شما گرفته‌اید را جواد شمقدری کامل کند!» واکنش جواد شمقدری به گفته‌های مجیدی هم این گونه است: «همین که مجیدی افسوس می‌خورد که ای کاش این کار مال او بود جای شکرگزاری دارد. هفت‌ماه این کار روی زمین مانده‌بود. نه مجیدی و نه کس دیگر سراغش نیامد، من هم بعد از آن بود که به سراغ این کار آمدم. در این فیلم آنچه مهم است اسکت و فیلمنامه و روش کار است که این دیگر مال خود من است. ضمناً هفتاد درصد پلان‌ها باز متعلق به من است.»

فیلم شمقدری به‌جای آن‌که بخواهد روایت کند یا تحلیل ارائه دهد، صرفاً ثبت وقایع کرده‌است. همین ویژگی باعث شده «آفتاب وعشق» بیش از آن‌که یک مستند تاریخی صرف باشد، تجربه‌ای احساسی و انسانی باقی بماند.

مستند رازهای جماران کارگردان: محسن سلیمانی و محمد تقفی
برای بسیاری از مردم، تصویر امام خمینی همواره با بالکن حسینیة جماران و سخنرانی‌های تاریخی‌اش گره خورده‌است. اما «رازهای جماران» مستندی است که این تصویر را از قاب عمومی بیرون می‌کشد و آن را به خانه‌ای می‌برد که امام، در آن زندگی می‌کرد. خانه‌ای که در سال‌های ۵۷ تا ۶۸ نه فقط مرکز

نیز اهدافی که بنیان‌گذاران آن دنبال می‌کرده‌اند، می‌تواند به نسل‌های جدید کمک کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری در مسیر توسعه یا اصلاح ساختارهای موجود اتخاذ کنند. در ادامه، نگاهی انداخیم به آثاری متفاوت در قالب کتاب و مستند؛ روایت‌هایی که تلاش کرده‌اند از قاب‌های تکراری فاصله بگیرند و چهره‌ای کمتر دیده‌شده از روح‌الله خمینی را به تصویر بکشند.

پیچ‌وخم تاریخ، چونان رودی آرام و سرسخت، مسیر خود را از عمق باور تا قله قدرت ترسیم می‌کند. کتاب در ده فصل، زندگی امام را نه صرفاً از نگاه او، بلکه گاه از دریچه مردم، طلاب، سیاست‌مداران، و حتی درباریان روایت می‌کند. از مدرسه فیضیه در عاشورای ۱۳۴۲ تا تبعید به ترکیه و عراق، از اعتراض به کاپیتولاسیون تا تحمل جنگ و تحریم، خواننده در هر صفحه، نه فقط با واقعیتهای تاریخی، بلکه با انسانی مواجه می‌شود که هر تصمیمش با ایمان و دوراندیشی گره خورده‌است. فصل‌ها همچون قاب‌هایی سینمایی، لحظه‌هایی از زندگی امام را به تصویر می‌کشند: «آقای شاه»، نگاهی به آغاز تقابل با رژیم پهلوی؛ «سفر فرنگ»، ریشه‌های شکل‌گیری نگاه سیاسی امام از دوران جوانی؛ «مجلس ترجم»، مراجعه امام با دوران استبداد رضاشاهی؛ «آیین دوست‌یابی»، ظهور صدای اعتراض امام پس از آیت‌الله بروجردی؛ و در نهایت، «ملکوت»، داعی زمینی با کسی که دل در آسمان داشت.

حکیمیان، که پیش‌تر در آثاری چون برج ناز و باغ خرمالو توانمندی خود در روایت‌پردازی را ثابت کرده‌بود، این بار با تکیه بر منابع متعدد و پژوهشی دقیق، چهره‌ای ملموس، انسانی و حتی شاعرانه از امام ارائه می‌دهد. هدفش نه بیان زندگی‌نامه‌ای کلیشه‌ای، بلکه فهم آن لحظات کلیدی است که از آثار روح‌الله یک امام ساخت. در واقع، کتاب «روح‌الله» کوششی است برای بازسازی مسیر یک تحول فکری-اجتماعی؛ آن‌هم نه با شعار، بلکه با روایت. روایت مردی که ایمانش به مردم، نیمی از انقلاب بود و نیم دیگر، امیدش به خداوند. این کتاب به تنها برای علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی، بلکه برای نسل جوانی که به دنبال شناخت ریشه‌هاست، خواندنی و الهام‌بخش است. چنان‌که رهبر انقلاب در تقریظ خود بر این اثر آورده‌اند: «این کتاب توانسته چهره‌ای نزدیک به واقع از امام خمینی ترسیم کند؛ خردمندی، شجاعت، ایمان ناب و اراده‌ای پولادین…».

تصمیم‌گیری سیاسی، بلکه محل زندگی روزمره مردی بود که نظم و سادگی، دویزگی و رنگ در رفتار هایش بود. در دل تاریخ انقلاب، چهره‌هایی حضور داشته‌اند که همیشه در قاب اصلی دیده نشده‌اند، اما روایت‌هاشان شاید از بسیاری اسناد رسمی گویاتر باشد. مستند «رازهای جماران» دقیقاً از همین زاویه وارد می‌شود؛ از پشت صحنه خان‌ای که در حساس‌ترین روزهای تاریخ معاصر ایران، مرکز تصمیم‌گیری، نگرانی، امید و صبر بود. محسن سلیمانی، یکی از دو کارگردان این مجموعه مستند، از دلایل ساخت آن می‌گوید: «بیشتر مردم فقط آنچه را دیده‌اند که رسانه‌ها از امام نشان داده‌اند. اما من می‌خواستم ببینم پشت آن بالکن معروف، در دل خانه، چه گذشته‌است؟ چطور زندگی می‌کرده؟ چه رفتاری با خانواده‌اش داشته؟ » او برای رسیدن به این روایت، سراغ محافظین شخصی امام رفت؛ افرادی که بدون هیچ واسطه‌ای، روز و شب در کنار او بودند. «دسترسی به خانواده سخت‌بود، اما محافظان، آدم‌هایی بودند که امام را همان‌طور که بود، دیده بودند؛ بدون فاصله، بی‌واسطه. آن‌ها هیچ ملاحظه‌ی سیاسی در روایشان نداشتند.»

این مجموعه مستند نه از طریق چهره‌های رسمی یا روایت‌های تکراری، بلکه با صدای محافظانی روایت می‌شود که سال‌ها بی‌واسطه کنار امام خمینی زندگی کرده‌اند. آن‌ها از سیاست نمی‌گویند، از حضور روزمره‌ای صحبت می‌کنند که در آن، رهبر انقلاب کسی است که جای می‌نیزد، طرف می‌شود و رفتارهایی معمولی مانند ره‌انسان دیگری دارد. مستند «رازهای جماران» با تکیه بر بیش از صد عکس و تصویر منتشر نشده، صداها ساعت گفت‌وگوی دین‌نeshده و پژوهشی دوساله، تلاشی است برای بازسازی صحنه‌هایی که شاید ساده‌به‌نظر برسند، اما بسیار متفاوت از تصور ذهنی افراد است. «رازهای جماران» تنها روایت زندگی امام خمینی نیست؛ تلاشی است برای بازخوانی رابطه‌ای واقعی، دقیق و بی‌واسطه میان او و نزدیک‌ترین افراد پیرامونش. این مجموعه، با وجود آنکه به دوره‌ای تاریخی می‌پردازد، روایتی زنده و معاصر ارائه می‌دهد؛ نه با هدف داوری و نه در پی اسطوره‌سازی، بلکه برای فهم دوباره شخصیتی که تصمیم‌های سرنوشت‌ساز خود را در فضای ساده و بی‌ادعای خانه‌ای کوچک اتخاذ می‌کرد.

فرهنگ‌یگان

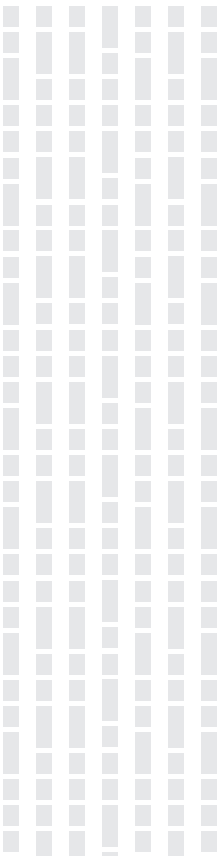
فرهنگ‌یگان

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۲۸

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



فرهنگ‌یگان

ادامه از صفحه ۱۲

۱۳